

# هدایای بی‌سابقه ترامپ به تل‌آویو



امریکا در دوره زمامداری دونالد ترامپ مواضع و اقدامات بی‌سابقه‌ای را به نفع رژیم صهیونیستی انجام داده است. با توجه به ناکامی دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری امریکا، اکنون دولت وی اقدامات دیگری را برای خوش خدمتی به اسرائیل و جلب نظر لابی‌های صهیونیستی در امریکا انجام داده است. دولت ترامپ همچنین تلاش مستمری را برای تضعیف و نیز تحریم سازمان‌ها و جنبش‌های ضد صهیونیستی در جهان انجام داده و بر تداوم این رویکرد تأکید می‌کند.

#### اقدام اول

مایک پمپئو وزیر خارجه امریکا در سفر اخیر خود به فلسطین اشغالی، روز پنج‌شنبه ۲۹ آبان (۱۹ نوامبر) اقداماتی را در راستای رویکرد کلی دولت ترامپ برای خوشایند مقامات رژیم صهیونیستی به ویژه بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر این رژیم انجام داد. پمپئو در اقدامی خارج از عرف دیپلماتیک، به عنوان اولین وزیر امور خارجه امریکا وارد منطقه جولان اشغالی سوریه شده و در آنجا گفت: «به اینجا آمده‌ام تا بار دیگر بر حاکمیت اسرائیل بر جولان تأکید کنم. رئیس‌جمهور ترامپ حاکمیت اسرائیل بر این منطقه را به رسمیت شناخته است.» پمپئو در اسفند ۱۳۸۸ نیز از حذف واژه «اشغالی» برای بلندی‌های جولان سوریه در گزارش سالانه حقوق بشر این کشور حمایت کرده بود. وزیر امور خارجه امریکا همچنین اقدامی غیرقانونی از یک شهرک صهیونیست‌نشین به نام «سپاگوت» در نزدیک «الیبه» واقع در کرانه باختری بازدید و اعلام کرد امریکا به دنبال این است که محصولات کالاهای تولیدشده در کرانه باختری را به عنوان «تولیدات اسرائیل» بپذیرد.

به نظر می‌رسد دولت ترامپ که فقط دو ماه به پایان عمر آن مانده تلاش می‌کند طی این مدت هر چه در توان دارد در حمایت از رژیم صهیونیستی و اجرایی کردن خواسته‌های غیرقانونی آن انجام دهد. به گفته حسن

#### چالش

احسان شیخون

از هنگامی که اولین خاندان سعودی اعلام موجودیت کرد و اقتصاد نفتی در این کشور رونق یافت، سعی بر آن داشته‌اند صنعت و قدرت خود را بر منطقه خاورمیانه گسترش داده و تثبیت کنند. این مهم از فرای پیروزی انقلاب اسلامی در ایران که معادلات منطقه‌ای دگرگون شد و شاهد قدرت‌یابی و نقش‌یابی جمهوری اسلامی ایران به داد بلند آمد. از جمله نقش ژئوپلی استراتژیکی ایران در خلیج فارس و خاورمیانه، حمله امریکا به افغانستان و عراق، جنگ ۳۳ روزه و تأثیرات آن بر اسرائیل، دستیابی به دانش صلح‌آمیز هسته‌ای و گسترش حوزه نفوذ ایران در سوریه، چین و یمن و لبنان، بوده‌ایم؛ باعث واکنش‌هایی از سوی عربستان سعودی در جهت افزایش و احیای قدرت خود در منطقه شده است. هر چند شاهد همکاری‌هایی در برخی بخش‌ها میان دو کشور بوده‌ایم اما دولت سعودی از حمایت «مهدم» از جنگ علیه ایران گریخته تا ایجاد طالبان، القاعده، داعش، اقدامات گاه و بیگاه تروریستی و حمله به حوزه‌های نفوذ ایران در خاورمیانه، عقد تفاهمنامه‌های دو و چندجانبه با قدرت‌های مداخله‌گر، دوستی و اتحاد با رژیم صهیونیستی و تحریک اقوام مختلف، همه و همه سعی در تضعیف و منزوی ساختن ایران داشته است.

به این ترتیب می‌توان دید که عربستان سعودی همواره سعی در موازنه‌سازی، کنترل قدرت جمهوری اسلامی و هموردی با آن به ویژه در حوزه نفوذ منطقه‌ای خلیج فارس و خاورمیانه داشته است. این مهم تا زمان دستیابی کشورمان به دانش صلح‌آمیز هسته‌ای کم و بیش ادامه داشت اما از آن پس بر شدت آن افزوده شد و در سال‌های اخیر نیز با تغییر حاکمان سعودی دوچندان شده است. به این ترتیب، سعودی‌ها که توانایی مقابله و ایجاد تعادل در برابر ایران را در خود نمی‌بینند، دست به دامان قدرت‌های خارجی برده‌اند و توافقمنامه‌های مختلف دو و چندجانبه‌ای را با سایر دولت‌های مداخله‌گر از جمله امریکا و اسرائیل بسته‌اند. البته، پیروزی «بایدن» در انتخابات ایالات متحده، ظاهر آسبب نگرانی سعودی‌ها شده است، زیرا رئیس‌جمهور جدید امریکا در کارزار تبلیغاتی خود بارها از بازگشت به برجام سخن گفته است؛ با وجود آنکه خط مشی کلان سیاست خارجی امریکا همواره در حمایت از سعودی‌ها بوده، اما «ترامپ» بیش از سایر رؤسای جمهور،

هانی‌زاده کارشناس مسائل غرب آسیا دونالد ترامپ، پیروزی خود را مدیون کمک لابی صهیونیستی می‌داند و به همین دلیل ترامپ تعهد کرد هنگام ورود به کاخ سفید، تمام امکانات خود را برای تقویت رژیم صهیونیستی به کار خواهد گرفت.»

ترامپ در مارس ۲۰۱۹ در یک اقدام جنجالی با انگیز و برای اعلام وفاداری خود به رژیم صهیونیستی، بلندی‌های جولان اشغالی سوریه را به عنوان بخشی از قلمرو اسرائیل به رسمیت شناخت. چنین اقدامی نه فقط بر خلاف قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل به ویژه قطعنامه ۲۴۲ که خواهان خروج رژیم صهیونیستی از سرزمین‌های اشغالی ۱۹۶۷ از جمله بلندی‌های جولان و کرانه باختری است، بلکه حتی با رویه دولت‌های قبلی امریکا در این زمینه نیز مغایرت دارد. از سال ۱۹۶۷ تمام دولت‌های امریکا بلندی‌های جولان و کرانه باختری را به عنوان اراضی اشغالی می‌شناختند اما دولت ترامپ، سیاست واشنگتن در این زمینه را تغییر داده و نه فقط بلندی‌های جولان را به عنوان بخشی از قلمرو رژیم صهیونیستی دانست بلکه سیاست امریکا درباره شهرک‌های غیرقانونی در کرانه باختری را تغییر داده و به آنها مشروعیت بخشید.

در واقع یکی از موارد بارز رویکرد خارجی دونالد ترامپ، موضع وی در زمینه حمایت بی‌قید و شرط از اسرائیل و عملی کردن اقداماتی است که رؤسای جمهور قبلی امریکا از انجام آنها خودداری کرده بودند که از مهم‌ترین آنها ضد رژیم صهیونیستی «یهودستیزی» هستند و دولت امریکا ره گونه‌حیاتی از آنها را قطع خواهد کرد. وی به فلسطین اشغالی، ارائه طرح معامله قرن که منافع و امتیازات بی‌سابقه‌ای را به رژیم صهیونیستی ارائه داده و در مقابل فلسطینی‌ها را از حقوق مسلم خود محروم می‌کند و نهایتاً رضایت دولت ترامپ به الحاق بخشی از کرانه باختری به فلسطین اشغالی را ذکر کرد. البته پمپئو در جریان سفر خود به فلسطین اشغالی، هدیه دیگری یعنی

در پی نخواهد داشت.

در اواخر اکتبر ۲۰۲۰ اعلام شد دولت ترامپ در نظر دارد شماری از نهادهای دفاع از حقوق بشر از جمله عفو بین‌الملل شاخه امریکا، دیده‌بان حقوق بشر و آکسفام را سازمان «شدیهود» اعلام کند. مایک پمپئو وزیر خارجه امریکا، از «یهودستیزی» نامیدن این نهادهای حمایت کرد. این امر موجب خرسندی رژیم صهیونیستی شده و آن را همراه با سیاست‌های اسرائیل نامید. این سه نهاد حقوق بشری مظنون به حمایت از جنبش «بی‌دی‌اس» هستند. در واقع واشنگتن فقط تا وقتی دیدگاه مثبتی به نهادهای بین‌المللی حقوق بشری دارد که آنها در راستای منافع امریکا و متحدانش مانند رژیم صهیونیستی عمل کنند و زمانی که این نهادهای از جمله عفو بین‌الملل، دیده‌بان حقوق بشر و آکسفام اقدام به انتقاد از عملکرد ضدانسانی تل‌آویو بر ضد فلسطینی‌ها از کشتار آنها تا غصب اراضی و بیرون راندن آنها از سرزمین آب و اجدادی‌شان کنند، بلافاصله از جانب امریکا مهر یهودستیز خورده و انواع محدودیت‌ها علیه آنها اعمال می‌شود. تصمیم امریکا برای سرکوب سازمان‌های حامی جنبش بی‌دی‌اس و یهودستیز نامیدن آنها، با واکنش شدیدی این سازمان‌های حقوق بشری مواجه شده و از این اقدام ابراز تأسف کرده و اتهامات واشنگتن درباره یهودستیز بودن خود را رد کرده و تأکید کرده‌اند انتقاد از اقدامات جنایتکارانه رژیم صهیونیستی به معنای یهودستیز بودن نیست.

به گفته اریک گلدستین، از مسئولان دیده‌بان حقوق بشر در نیویورک «انتقاد از سیاست‌های یک دولت، به معنی حمله به یک گروه مشخص نیست.» اشاره وی به انتقادهای این نهاد از سیاست‌های اسرائیل است که آن را حمله به یهودیان نمی‌داند. اقدام واشنگتن هم‌اسنا با اقدامات تل‌آویو علیه این سازمان‌های حقوق بشری صورت گرفته که در سال‌های اخیر ضمن تهدید به ممنوع کردن آنها، برخی مسئولان این سازمان‌ها را از فلسطین اشغالی اخراج کرده است.

جنبش بی‌دی‌اس کمیسینی بین‌المللی برای فشار بر رژیم صهیونیستی به دلیل اشغال اراضی فلسطینی و شهرک‌سازی در این اراضی است. این جنبش که در سال ۲۰۰۵ فعالیت خود را توسط ۱۷۱ سازمان غیرانتفاعی فلسطینی آغاز کرد، تاکنون توانسته همراهان زیادی را در سراسر جهان از جمله در اروپا و امریکا به‌دست آورد. رشد و توسعه همه‌جانبه این جنبش در سراسر جهان و به ویژه مناطقی که هنوز به‌سرکوب شده، موجب تشدید جنبش هوادار فلسطینیان، در راستای اهداف بایکوت، منزوی کردن و خودداری از سرمایه‌گذاری و همکاری با سرمایه‌های غربی می‌کند. سیاست‌های توسعه‌طلبانه و ادامه شهرک‌سازی اسرائیل در سرزمین فلسطینیان سبب شده تا احساسات ضداسرائیلی در جامعه بین‌الملل روند افزایشی‌ای به خود بگیرد. در عین حال در شبکه‌های اجتماعی و نیز کمپین‌های مختلف، فشارهای جهانی علیه اسرائیل در حال افزایش است. در مقابل رژیم صهیونیستی سال‌هاست تلاش دارد هرگونه تحرکی علیه خود را در کشورهای غربی با هر چسب «یهودستیزی» سرکوب کند. از جمله با فشار صهیونیست‌ها، دادگاه حقوق بشر اروپا اواسط سال ۲۰۲۰ میلادی ۱۲ حامی جنبش بی‌دی‌اس را به‌پرواخت فرامت حدود ۲۸ هزار یورویی محکوم کرد.

به رسمیت شناختن وجود شهرک‌های صهیونیست‌نشین در کرانه باختری با پذیرفتن محصولات و کالاهای تولیدی در آنها به عنوان تولیدات ساخت اسرائیل به صهیونیست‌ها کرانه باختری به فلسطین اشغالی را عملاً پذیرفته است. این در حالی است که جامعه جهانی از جمله شرکای اروپایی واشنگتن مخالفت خود با اقدامات دولت ترامپ از جمله به رسمت شناختن الحاق جولان اشغالی و الحاق بخش‌هایی از کرانه باختری به فلسطین اشغالی را به صراحت اعلام کرده‌اند. دولت ترامپ در این زمینه نیز همانند موارد بسیار دیگر رویکردی تکررانه و یکجانبه‌گرانه اتخاذ کرده و بر خلاف رویه سازمان ملل اقدام کرده است. موضع‌گیریی واحد جهانی در مخالفت با الحاق جولان اشغالی و الحاق بخشی از کرانه باختری که عملاز جانب سسه ضو از چهار عضو کمیته چهارجانبه یعنی سازمان ملل، اتحادیه اروپا و روسیه صورت گرفته، موجب تشدید فشارها و نیز انزوا هر چه بیشتر اسرائیل و حامی اصلی آن یعنی امریکا شده است.

##### اقدام دوم

مایک پمپئو وزیر خارجه امریکا روز پنجشنبه ۲۹ آبان (۱۹ نوامبر) در نشست خبری مشترک با بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در تل‌آویو، گفت جنبش بایکوت، عدم سرمایه‌گذاری و تحریم اسرائیل موسوم به بی‌دی‌اس (BDS) و دیگر سازمان‌های ضد رژیم صهیونیستی «یهودستیزی» هستند و دولت امریکا ره‌گونه‌حیاتی از آنها را قطع خواهد کرد. وی تصریح کرد جنبش بی‌دی‌اس را رسماً ضدیهود اعلام خواهد کرد.

این جنبش برای اعلام اینکه سخنان پمپئو در خصوص جنبش بی‌دی‌اس، نشان از موضع ضدفلسطینی دولت فعلی امریکا دارد تأکید کرد تلاش امریکا برای جرم‌انگاری اقدامات این جنبش و از بین بردنش، نتیجه‌ای جز شکست

## ریاض سرگردان این و آن برای حفظ موجودیت



با اسرائیل حمایت می‌کند و این مسئله را قبل تر، طی ابتکار صلح عربی- با عنوان عادی‌سازی کامل روابط با اسرائیل، به سال ۲۰۲۰ اعلام کرده بود. به این ترتیب به احتمال بسیار، تا پیش از پایان ریاست جمهوری ترامپ خبر امضای تفاهمنامه میان دولت سعودی و اسرائیل را شاهد خواهیم بود.

مهم‌ترین آثار عبارتند از:
**۱- عادی‌سازی علنی روابط با اسرائیل جهت کنترل قدرت و نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران:** ایجاد روابط دوستانه آشکار میان اعراب و به ویژه سعودی‌ها با اسرائیل از جمله سیاست‌های ترامپ بوده است. در قدم اول حدود دو ماه قبل، امارات متحده و بحرین بیانیه مشترکی برای صلح و عادی‌سازی روابط، با عنوان «توافق ابراهیم» با اسرائیل امضا کردند؛ اکنون نیز خبر آمده که «تانیاهو» روز یکشنبه ۲۲ نوامبر طی سفری که حتی «بنی‌گانتز»، وزیر دفاع و «گابی اشکنازی»، وزیر خارجه اسرائیل از آن بی‌خبر بوده‌اند، همراه با «یوسی کوهن»، رئیس‌موساد، به شهر «نتوم» عربستان، با محمد بن سلمان و پمپئو دیدار و جهت عادی‌سازی روابط مذاکره کرده است.

**۲- ایجاد، فعال کردن و حمایت از گروه‌های تکفیری- تروریستی علیه مواضع ایران:** این خط مشی در دو سطح منطقه‌ای و داخلی در جریان بوده است و به زودی بر شدت آن افزوده خواهد شد. تفرقه‌افکنی میان حکومت مرکزی و اقوام مرزی، سوءاستفاده و

دوگانه‌انگاری تشیع- تسنن به عنوان دو جریان رقیب و اقدامات تروریستی درون مرزهای جمهوری اسلامی ایران که نمونه آن را در حمله تروریستی ۳۱ شهریور ۹۷ اهواز، توسط «گروه تکفیری- تروریستی الاحوازیه» شاهد بودیم، در بعد داخلی؛ و تقویت جریان‌های تکفیری- تروریستی به موازات حمله به حوزه‌های نفوذ کشورمان در منطقه خاورمیانه از جمله یمن، عراق و سوریه به بعد خارجی، از جمله این اقدامات خواهد بود.

**۴- محق دانستن خود به عنوان یکی از اعضای جدید در برجام:** با وجود آنکه بارها از سوی ایران اعلام شده برجام قابل مذاکره و تغییر نخواهد بود، اما عربستان تلاش دارد خود را به عنوان یک ذی‌نفع و عضو جدید در قالب برجام جای دهد. چندی پیش، «فیصل بن فرحان»، وزیر امور خارجه عربستان طی مصاحبه‌ای با شبکه CNBC گفت کشورش باید بخشی از مذاکرات میان ایران و امریکا در خصوص توافق هسته‌ای جدید باشد. او که از فشار جدکثری ترامپ علیه ایران ستایش می‌کرد، از شروط عربستان در برجام شامل برچیده شدن فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای، عدم روابط با متحدان منطقه‌ای و برچیدن توان موشکی- دفاعی ایران، سخن گفت!

**۵- خرید گسترده تسلیحات جدید و تلاش جهت دستیابی به سلاح‌های نامتعارف و هسته‌ای:** صرف هزینه‌های گزاف خرید تسلیحات متعارف و نامتعارف توسط عربستان که بسیاری از آنها را بر سر مردم بی‌دفاع یمن شلیک می‌کند، و صحبت‌های بن سلمان به سال ۲۰۱۸ مبنی بر اینکه ریاض، در صورت ادامه شرایط فعلی، «بدون اتلاف وقت» تلاش برای دستیابی به سلاح اتمی را آغاز خواهد کرد، در این راستا صورت گرفته است. همچنین دولت سعی اعلام کرده قصد دارد طی دو دهه آینده بیش از ۱۶ تاکتور هسته‌ای بسازد؛ البته مدت‌هاست این نگرانی وجود دارد که ریاض گزینه تولید سلاح اتمی را در پیش گرفته باشد.

به این ترتیب، «فتر انطباقی» عربستان سعودی در راستای سیاست‌های ایالات متحده امریکا و رژیم صهیونیستی، به دلیل هراس از قدرت‌یابی و نقش‌یابی ژئوپلی استراتژیکی جمهوری اسلامی ایران حول موارد فوق‌الذکر، بیش از پیش ادامه خواهد یافت.

##### رویکرد



پل‌هایی که ترامپ میان دوسوی آتلانتیک خراب کرد

### دوستی امریکا-اروپا دیگر شدنی نیست

##### سید نعمت‌الله عبدالرحیم‌زاده

آن ایدالگو شهردار پاریس دقایقی بعد از اعلام پیروزی بایدن در صفحه توئیتر خود نوشت: «امریکا خوش برگشتی!» این عبارت نماد استقبال گرم مقام‌های اروپایی از پیروزی بایدن بود تا بعد یک دوره رکود در روابط بین دو سوی آتلانتیک، امیدواری خودبه‌دوره‌ای جدید از همکاری دو جانبه را بیان کرده باشند. سکوت طولانی مدت چین و روسیه نقطه مقابل استقبال گرم اروپایی‌ها بود و هر چند یکدن در نهایت و دیر هنگام پیروزی بایدن را تبریک گفت اما رئیس‌جمهور روسیه ولادیمیر پوتین همچنان به دنبال بهانه‌های دیپلماتیک بود تا از تبریک گفتن به بایدن طفره رود. با این حال، نه می‌توان استقبال گرم اروپایی‌ها را به معنای دوران شکوفایی روابط آنها با امریکا تلقی کرد و نه تعلق و تأخیر چین و روسیه به معنای شروع دوره‌ای پر تنش‌تر از این چهار سال با امریکا است. در واقع، دونالد ترامپ در طول چهار سال ریاست جمهوری خود چنان وضعیت امریکا را در صحنه بین‌الملل تغییر داده که بایدن به سختی می‌تواند شرایط را به چهار سال قبل از این بازگرداند و واقعیت‌های جدید او را مجبور به رعایت ملاحظاتی بکند هر چند که منطق بر سیاست‌های همیشگی امریکانباشد.

##### مانورهای کوتاه‌مدت

شکی نیست بایدن سعی می‌کند در ۱۰۰ روز نخست از ریاست جمهوری‌اش دستت به سلسله‌مانورهایی بزند تا نشان دهد که امریکا به جامعه جهانی بازگشته و دوباره می‌خواهد نقش رهبری خود را در این عرصه به عهده بگیرد. فهرستی از اقدامات نظیر بازگشت تحریم‌ها علیه فائو بنسبندو دادستان‌های عالی‌رتبه دادگاه بین‌المللی لاهه و کارکنانش، بازگرداندن امریکا به شورای حقوق بشر و همچنین بازگرداندن امریکا به انسنگو، از جمله اقداماتی است که بایدن می‌تواند به انجام دهد. اینها تنها سه ماه نشان دهنده که او سیاستی به‌طور کامل مخالف ترامپ را در پیش خواهد گرفت و سعی خواهد کرد اقدامات مخربش را در عرصه بین‌الملل به نحوی جبران کند. خبر خوب برای بایدن این است که بیشتر این اقدامات با صدور فرمان‌های اجرایی ممکن هستند و نیازی ندارد برای اجرای آنها منتظر تأیید سناتورهای مجلس سنا بماند. خبر بد برای او این است که این اقدامات بیشتر نمادین هستند و تأثیر قابل توجهی در وضعیت امریکا در جامعه بین‌المللی ندارند و او برای تغییر این وضعیت اقداماتی را در پیش بگیرد که با نیاز به مجوز سناتورها دارد یا اینکه مشاجرات سیاسی بر سر آنها در واشنگتن کم‌نیست و حتی در میان هم‌جریان‌های او در حزب دموکرات نیز هستند کسانی که چندان موافق سیاست او نیستند.

##### اقدامات سخت

یکی از اقدامات سخت بازگرداندن امریکا به پیمان آسمان‌های باز (Treaty on Open Skies) است. این پیمان نتیجه پایان یافتن جنگ سرد بود که در مارس ۱۹۹۲ و بین ۳۴ کشور در نیم کره شمالی امضا شد. اعضای پیمان می‌توانند هواپیماهای شناسایی خود را با اطلاع قبلی بر فراز خاک یکدیگر به پرواز در آورند تا نحوه تحرکات نظامی را رصد کنند و به این ترتیب، اعتمادسازی بین کشورهای عضو ایجاد شود. این پیمان برای اطمنان از عدم قصد تینت‌هایمی دیگر کشورهای اهمیت دارد به خصوص اینکه اکثر آنها امکان ماهواره‌ای برای رصد توانایی‌های نظامی دیگر کشورها می‌۲۰۲۰ وضعیت را به‌طور کلی تغییر داد و حالا بعد از شش ماه خروج آن رسمیت یافته است. روشن است که غیبت امریکا در این پیمان برای نقش‌آفرینی در میان کشورهای اروپایی اهمیت دارد چنان که روسیه از این غیبت بهره‌برداری می‌کند و به دنبال رفتن امتیازاتی از کشورهای عضو پیمان است. پیمان منع موشک‌های هسته‌ای میان‌برد (INF Treaty) پیمان دیگری است که برای مهار موشک‌های هسته‌ای و به خصوص برای حفظ امنیت اروپا در برابر این موشک‌ها اهمیت ویژه‌ای داشت اما دولت ترامپ در ۲۰اکتبر ۲۰۱۸ از آن خارج شد و خروجش در اول فوریه ۲۰۱۹ رسمیت یافت و روسیه نیز به نوبه خود در دوم اگوست همان سال اعلام پایان یافتن این پیمان را اعلام کرد. آنتونیو گوتروش دبیر کل سازمان ملل متحد در مورد پایان یافتن این پیمان گفته بود: «با انقضای تاریخ این پیمان، جهان یک مکانیسم ارزشمند برای جلوگیری از جنگ هسته‌ای را از دست می‌دهد.» لغو این پیمان نگرانی‌های جدی از دور جدید رقابت‌های هسته‌ای